

مار ادونا مدتی به خاطر افسردگی پس از ترك اعتیاد در بیمارستان بستری بود
وقتی مرخص شد حرف قشنگی زد:

-اونجا دیوانه های زیادی بودند، یکی می گفت من چگوارا هستم. همه باور
میکردن، یکی می گفت من گاندی ام همه قبول میکردن.

ولی وقتی من گفتم مار ادونا هستم همه خندیدن و گفتن هیچ کس مار ادونا
نمیشه!!..

اونجا بود که من خجالت کشیدم که چه بر سر خودم آوردم..

در این دنیا غرور دمار از روزگار آدم در می اره و دقیقا گرفتار چیزی میشی
که فکر می کنی هرگز در دامش نخواهی افتاد..

مراقب خودتان باشید برگ ها همیشه زمانی میریزند که فکر می کنند طلا

شدند.